

پشت چراغِ قرمز

مجموعهٔ شبه مقالات

سیروس ابراهیمزاده

سرشناسه: ابراهیم زاده سیروس، ۱۳۱۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: پشت چراغ قرمز: مجموعه شش مقاله / سیروس
 ابراهیم زاده
 مشخصات ناشر: تهران، نشر قطره، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص
 فروست: سلسله انتشارات - ۱۵۰۴ ادبیات - ۲۰۸
 شابک: 978-600-119-530-3
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۵ پ ۴۶ ب / PIR ۷۹۴۳
 رده بندی دبیری: ۸۵۳ / ۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۷۵۴۱۱

شابک: ۲ - ۵۳۰ - ۱۱۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ISBN: 978-600-119-530-3



نشر قطره

پشت چراغ قرمز

سیروس ابراهیمزاده

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱

چاپ: فام

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

بها: ۴۵۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳

دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۷۳۳۵۱-۳

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۶۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

۷		دیاچه
۹		فراخوان
۱۱		پشتِ چراغِ قرمز
۱۴		نوادهٔ جمال‌الدین جدیدی
۱۷		نامه
۱۹		پارس آباد
۲۲		بن‌بست بهار
۲۵		در حاشیهٔ دانشگاه و رونق بازار مسکن
۲۸		خیابان
۳۲		بوالعجب
۳۵		پس سفرنامه
۳۸		گناهواره
۴۱		اعتماد بر الطافِ کارساز
۴۴		آی دزد!
۴۷		تدوین موازی
۵۰		پراکنده تا سبز
۵۴		قناری

۵۷	خرابه‌های ری
۶۱	خننده بر هر دردی در مان
۶۶	بازخوانی ترانه‌های عطراگین در تعفن ترافیک
۷۰	قلم انداز خاطرات کودکی
۷۴	شگفتی‌های زبان‌شناسی غیر حرفه‌ای
۷۸	همایه
۸۲	پشت و روی پرده سینمای گیشه گرا
۸۶	جلوه آرزو در آئینه محال
۹۰	نه!
۹۴	گردآمدنگاه
۹۹	کسب و کار خانم‌ها و آقایان بازیگر
۱۰۳	عهد آزادی بوق!

دیباچه

پشت چراغ قرمز، بهترین فرصتِ زورکی برای تفکر و تأمل در امور است. البته به دلیل آلودگی صدا و هوا و سموم و آفت‌های دیگر ذهن و تعقلِ شهر وندان کژ و می‌گردد و اندیشه‌ورزی پریشان آدمی به جاهای پهن و باریک و نیمه‌روشن و تاریک می‌رسد. «مجموعه‌ی شبه مقالاتِ پشت چراغ قرمز» حاصل همین اوقات است. هرکس در پایتخت یا کلان‌شهرهای دیگر خاکی پاک زندگی می‌کند، خرده تأملاتی از این دست را به خوبی می‌فهمد؛ گرچه ممکن است مزّمزه کردن‌اش کیفوری و خوش خوشانی مطلوب به بار نیآورد.

فراخوان

دوستانِ عزیزِ پیش‌کسوت‌تر و همدلان و هم‌دندان‌های گرامی من، دست از گله و شکایت بر نمی‌دارند که بر نمی‌دارند. با این‌که در سنواتِ اخیر از سوی مسئولان متعهد امورِ هنری - فرهنگی و مردم‌خیر همیشه در صحنه انواع توت‌های و رسیدگی‌های نقد و نسیه به آنان ارائه می‌شود باز هم ناراضی و نق‌نق و نق‌کرده و طلب‌کارند. ای من به فدایِ دل‌های دائماً دردمندان! چرا متوجه نیستیم؟ هم‌اکنون چند سالی است که یادبودها و بزرگ‌داشت‌های باشکوه اغلب پیش از پروازِ ناسوتی و لاهوتی بزرگان و دانه درشتانِ عرصهٔ هنر و فرهنگ انجام می‌گیرد و برخلاف گذشته جای غُر زدن باقی نمی‌گذارد که ما مرده پرستیم و غیره و ذالک! البته برخی از این نشست‌ها بر حسبِ اتفاق - و زبانم لال، نه از روی غرض و مرض - فقط چند صباحی پیش از روز یا شبِ حادثه اتفاق می‌افتد و در بعضی موارد عمرِ شخصیتِ تجلیل‌شده یک هفته یا حتی چند روز هم وفا نمی‌کند و ناگهان بانگی برمی‌آید که خدا را شکر! خلد آشتیانِ تجلیل‌نشده از دنیا نرفت! [نگارنده چندبار مورد لطف و عنایتِ تجلیل‌گران و نهادهای رسمی و سازمان‌یافتهٔ یادبودگزار قرار گرفته‌ام و پیشنهادهای جدی داشته‌ام که روی صحنه

بروم و لوح تقدیر پُرپیما نه از بابت خدمات پنج‌ساله و بیش‌تر دریافت کنم و غیره... ولی هرگز جرئت پذیرفتن افتخاراتی از این دست را به خودم نداده‌ام. [چون می‌خواهم زنده بمانم!]

آری... اعتبارات و اختیارات بسیاری — در آینده‌ای نه چندان دور، اگر بی‌حرف پیش عددِ شناسنامه گیر ندهد — در انتظار ماست. مثلاً صحبت از آن است که در جهت رفاهِ حالِ برخی مسافرانِ استخواندار و فرهیخته‌ی دیار باقی نسلِ من و شما قطعاتِ هنرمندانه‌ی متعددی در تهران و شهرستان‌هایی چک و چانه در اختیار متقاضیانِ واجد شرایط قرار گیرد. سپاس!

در خاتمه و ختم کلام، به استحضار همه‌ی گرانجانانِ محترم و نخبه‌خادمان مسائل فرهنگی — هنری به ویژه دست‌اندر بکارانِ تئاتر، سینما، تلویزیون، رادیو، نماهنگ، نواز کاست و امثالهم می‌رساند که اینجانب و چند سپیدموی خیالپرداز دیگر در نظر داریم برای احقاقِ حقوقِ احیاناً پامال شده و ارتقای سطحِ زندگی به زور باقی‌مانده و همچنین برگرفتنِ تقاصِ عمرِ بر باد رفته از این و آن، به ویژه در جهت سامان بخشیدن به مشکلاتِ مجالسِ یادبود و تجلیل و منزلت و تکریم، بدین وسیله از شمایان دعوت نمائیم — اگر حال و حوصله‌اش را داشتید — قبولِ زحمت فرموده بامن TAMAAS بکیر بد تالک و لگی بکنیم و هیئت مؤسسی چیزی راه بیندازیم و خوش خوشک برریم ببینیم به کجامی رسم. تشکیلات صنفی در همه حال، حتی در وضعیت پای لب مرزِ حیات و ممات خطرِ زیادی ندارد.